

# چرا مقام معظم رهبر منتکلات جامعه را حل نمی کنند؟!!

حجت الاسلام پناهیان

کمیته امام و رهبری واحد سیاسی  
بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

## چرا مقام معظم رهبری مشکلات جامعه را حل نمی‌کند؟!

متن سخنرانی حجت الاسلام پناهیان

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر مقام معظم رهبری مشکلات را می‌دانند پس چرا آنها را حل نمی‌کنند و اگر هم از مشکلات خبر ندارند این هم خیلی بد است که رهبر مملکت مشکلات را نداند؛ خلاصه‌ی سوال این است که گرفتاری‌ها را در نقطه‌ی رهبری جامعه متمرکز می‌کنند. در زمان امام هم این حرف، حرف مردم بود چون بالاخره بنده به عنوان آدمی که بین مردم زندگی می‌کنم و ارتباطات عمومی‌ام شاید بیشتر از مسوولین باشد، هر جا برای منبر می‌روم بلافاصله مردم قبل و بعد از منبر با من صحبت می‌کنند. چند روز پیش می‌خواستم جایی منبر بروم ۷-۸ نفر قبل از منبر آمدند و سوال کردند و اتفاقاً یکی از سوالات این بود که چرا آقا صدا و سیما را که زیر نظر خودشان هست درست نمی‌کنند.

بنده از شما سوال می‌کنم که آیا اکثر مردم این سوال را دارند؟ سوال می‌کنند که آیا رهبری از مشکلات موجود در مملکت خبر دارند؟ این یک شیوه‌ی ارزیابی و حل مسئله است؛ این یک شیوه‌ی راه حل جستن برای موضوع است، یعنی در این سوال مطرح می‌شود که رهبری باید این مشکلات را حل کنند، این که ایشان مگر قدرت تامه ندارند پس بیایند و مشکلات را حل کنند.

اگر این سوال جواب داده نشود آدم‌ها خیلی راحت می‌توانند بگویند رهبری اصلاً شایستگی ندارند؛ پس این رهبری اشتباه کرده‌اند. و بعدا هزار حرف دیگر می‌تواند مطرح شود. من از شما تقاضا می‌کنم اگر این سوالات به ذهن آمد حتماً بپرسید، حتماً یک آدم فهیمی پیدا کنید و بپرسید. بنده به سهم خودم سعی می‌کنم به این سوال جواب دهم یا لااقل مقدماتی علمی برای پاسخ مطرح کنم.

دیشب منزل یکی از دوستان رفته بودم که پسرش در درگیری‌های سال ۸۸ دستگیر شده بود و در زندان کشته شده بود یا بهترست بگوییم بر اثر بی‌اعتنایی زندانبان‌ها در فتنه‌ی سال ۸۸ فوت کرده بودند. ایشان که عضو هیئت علمی هستند در جلسات بنده شرکت می‌کنند و گفتند همسرشان هم به جلسات بنده می‌آیند. صحبت دوستانه می‌کردیم به دور از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، به بنده گفتند خیلی از خبرگزاری‌های خارجی و داخلی آمدند و سعی کردند از ما علیه نظام مصاحبه‌ای بگیرند ما به هیچ عنوان این کار را نکردیم. مادر این پسر به من گفت مگر می‌شود در مملکت اسلامی مسئولینی باشند که به جان آدم‌ها بی‌اعتنایی کنند

این را چه طور برای خود توجیه کنیم، ما مقاومتمان را در برابر دشمن کرده‌ایم اما این مسئله را برای خود چگونه حل کنیم؟

ببینید من رفتم سر اصل مطلب؛ به ایشان گفتم بله در مملکت اسلامی می‌شود همچنین اتفاقاتی بیفتد؛ گفتند در حکومت امیرالمومنین هم از این اتفاقات افتاده است؟  
گفتم در زمان امیرالمومنین (ع) بالاتر که رسول اکرم (ص) باشند هم از این دست اتفاقات افتاده که برای شما مثال می‌زنم:

رسول اکرم (ص) خالد بن ولید را مامور کردند و گفتند شما برو به فلان دیار و اگر آنها مسلمان نبودند آنها را به اسلام دعوت کن و اگر جنگیدند با آنها بجنگ و اگر اسلام را قبول کردند برگرد، و اگر مسلمان بودند که هیچ، زکات را از آنها بگیر و بیاور و سلام من را به ایشان برسان.

خالد که تازه مسلمان شده بود و از قبل هم کینه‌ای از آنها در دل داشت به آن منطقه رفت و دید آنها خیلی وقت است که مسلمانند و نماز می‌خوانند و مسجد دارند و باید زکات را می‌گرفت و بر می‌گشت اما به یاد کینه خود افتاد و بهانه‌ای راه انداخت و جنگی به پا کرد و حدوداً ۳۰ نفر را کشت و کلی خرابی به بار آورد.

چه فاجعه‌ای از این بالاتر که کسی از طرف رسول خدا مسلمان‌های مظلوم را می‌کشد. اگر ما بودیم حتماً بنایه علیه پیغمبر صادر می‌کردیم که یا رسول الله (ص) این چه طرز حکومت است و عمال تو چه کرده‌اند؟!

مادر این جوان کشته شده پرسید: واقعا؟! پیغمبر چه کرد؟

گفتم: پیغمبر خالد بن ولید را اعدام نکرد، چون خیلی از احکام را نمی‌شود اجرا کرد. (که بعداً راجع به دلیل آن صحبت می‌کنم) رسول اکرم دستهای خود را بالا برد و بلند و در حضور مردم فرمود: خدایا تو شاهدی من از کار خالد ببزارم و بعد صدا زد علی جانم تو برو و جبران کن تا جایی که می‌شود. حتی اگر ظرف خوراک سگ آنها هم شکسته آن را هم جبران کن.

مادر فرزند از دست داده گفت: پس چرا پیغمبر از ابتدا خالد را فرستاد؟

اینجا یک بحث بسیار علمی و دقیق مطرح می‌شود. و آن اینکه یک پیامبر یا رهبر زیاد نمی‌تواند از حد مردم خودش جلوتر برود و مسئولینی که برای مردم می‌گذارد کسانی در حد خود مردم هستند. اتفاقاً در جامعه‌ی ما خیلی از این مسئولین را خود مردم انتخاب می‌کنند. امام تا دقیقه‌ی نود از بنی صدر حمایت کرد، اصلاً اسناد اینکه با سازمان سیا همکاری می‌کند در آمده بود. در یکی از نامه‌ها تنها کسی که بر سر مقدار حقوق خود با سیا چانه زده بود، همین

آقای رئیس جمهور ما بود. ولی امام (ره) فرمود مردم باید ببینند چه انتخاب کرده‌اند. در زمان پیغمبر درست است که انتخابات نبود اما خالد بن ولید یکی از افراد برجسته جامعه بود. عمروعاص از فرماندهان سپاه پیغمبر بود و اتفاقاً او را برای جهاد می‌فرستاد و خراب می‌کرد و بر می‌گشت حالا نمی‌توان گفت چرا پیغمبر عمروعاص را می‌فرستاد و به جای او علی را نمی‌فرستاد. اتفاقاً رسول خدا بعد از این که عمروعاص خراب کرد آمد علی بن ابیطالب را فرستاد و علی (ع) خوب عمل کرد اما عمروعاص و اطرافیان شری به پا کردند که چرا پیغمبر علی را فرستاده، مگر کار ما چه ایرادی داشت. خب ایراد کار آن‌ها همین بود که نتوانستند کاری کنند.

یک امام نمی‌تواند برای اداره مملکت از فرشته‌های آسمانی استفاده کند و از آدم‌های درب و داغونی مثل ماها استفاده می‌کند. یکی را برداشته و دیگری را به جای او می‌گذارد، یکی از یکی بهتر و یکی از یکی بدتر.

آیا امیرالمومنین (ع) کسانی بودند که آدم‌های بدی بوده باشند؟

چند مثال برای شما می‌زنم:

یکی از افرادی که امیرالمومنین (ع) نصب کرد نماینده‌ی خودش در مذاکره با معاویه بود که به معاویه می‌خواست بگوید ای معاویه بیا و تن به حکم مردم بده و ایالت مستقل درست نکن و به مسلمان‌ها ظلم نکن. مالک اشتر اعتراض کرد به اینکه چرا این آدم را انتخاب کردی چون معاویه او را فریب می‌دهد چون این آدم ضعیف است و تمام اعتراضات وی به علی بن ابیطالب وارد بود و اتفاقاً از معاویه فریب خورد. این نیست که امیرالمومنین تحلیل سیاسی نداشت بلکه طبق مصالحی عمل می‌کرد که مالک نمی‌توانست آن مصالح را درک کند. وقتی این نماینده از پیش معاویه برگشت معاویه خود را برای جنگ آماده کرده بود، مالک اشتر به علی (ع) می‌گفت بیا جنگ را شروع کنیم چون این دارد اذیت می‌کند.

امیرالمومنین (ع) قبول نمی‌کرد و می‌فرمود طبق قوانین ما و قوانین جنگی نماینده‌ی ما دارد آن جا مذاکره می‌کند پس ما نمی‌توانیم جنگ را شروع کنیم. امیرالمومنین (ع) قانون‌مند عمل کرد و ضربه هم خورد. پس از اینکه نماینده بازگشت و ادعا کرد که معاویه را نتوانسته قانع کند مالک جلوی علی (ع) بر سر نماینده داد زد و گفت به جای تو من باید می‌رفتم و تو عرضه نداشتی.

برای این که بفهمیم چرا آدمی مثل امیرالمومنین (ع) انتصاب ضعیف دارد باید برگردیم به تاریخ و آن را مرور کنیم.

چرا پیامبر در قضیه جنگ تبوک آن ۱۲ نفری که می‌خواستند ایشان را از تپه به پایین بیاورند و مرگ او را طبیعی جلوه دهند را حتی افشا نکرد چه رسد به این که اعدامشان کند. حدیثه داستان را کامل نقل می‌کند:

خود رسول الله به حدیثه فرمودند مردم بعدا خواهند گفت پیامبر یاران خود را کشت. چه مصالحی دست یک امام و پیغمبر معصوم را می‌بندد؟ حتی دست یک غیر معصوم را؟ صرف این که همچنین اتفاقی بیفتد آن حکومت باطل است ممکن است دلایلی وجود داشته باشد. باید مبنای سوال مشخص باشد، آیا در یک حکومت نباید مسئول ضعیف وجود داشته باشد؟ پس زمان پیغمبر و رسول الله را چه می‌گویید؟

زمانی که سریال امیرالمومنین(ع) پخش می‌شد من در دانشکده‌ی هنر بودم که یکی از دانشجویان گفت من به این سریال اشکالاتی دارم، یک مقدار حضرت علی(ع) را شل نشان می‌دهد، ما یک علی بن ابیطالب مقتدر و قاطعی در ذهن داشتیم که آن را در ذهن ما شکست. این امامی که این‌ها نشان می‌دهند مردد است و مشکلات را نمی‌تواند حل کند. در حالیکه دائما عذرخواهی می‌کرد این حرف‌ها را می‌زد.

گفتم اتفاقا عذرخواهی نمی‌خواهد بلکه واقعیت تاریخ همین است.

گفت: چرا ما فکر می‌کردیم علی(ع) هر مشکلی پیش می‌آمد را قاطعانه حل می‌کرد؟  
گفتم: شما اشتباه می‌کردید.

گفت: مگر حضرت علی(ع) (با یکی از والیان که سر سفره‌ی ثروتمندان می‌نشست قاطعانه برخورد نکرد؟  
گفتم: چه کرد؟  
گفت: نامه نوشت.

گفتم: مگر نامه نوشتن قاطعانه است؟! باید می‌رفت گردنش را می‌شکست!

نمونه دیگر: خوارج که علیه امیرالمومنین(ع) قیام کردند همه توسط وی کشته شدند. خوارج از شهر کوفه بلند شدند. شما فکر کنید اگر از تهران ۱۰ میلیونی ۴ هزار نفر کشته شوند چه می‌شود؟! (خدا نکند همچنین اتفاقی رخ دهد) کوفه مگر چند نفر بود که ۴ هزار نفرشان کشته شد، این‌ها زن و بچه نداشتند؟

یکی از اعتراضات خوارج به حضرت علی(ع) این بود که می‌گفتند این اشعث در کنار شما چه کار می‌کنند. آیا خوارج در مورد اشعث اشتباه می‌گفتند؟ ۳-۴ دلیل بیاورم درباره‌ی بد بودن اشعث. دخترش امام حسن(ع) را کشت، پسرش امام حسین(ع) را کشت و ابن ابی‌الحدید می‌گفت هر فتنه‌ای که در حکومت علی رخ می‌داد دلیلش اشعث بود و دلیل اضافه‌ی چهارم

این که آخرین کسی که حضرت امیر را وادار کرد به مصالحه با معاویه در حالی که یکی دو روز دیگر اگر می‌جنگیدند به نتیجه می‌رسیدند همین اشعث بود. پس خوارج راست می‌گفتند. پس چرا حضرت علی نمی‌پذیرفت؟!

جز مصلحت‌هایی که رهبری یک جامعه در تحمل آدم‌های بد دارد یک مسئله‌ی دیگر هم هست این که مومنین یا ضعیفانند یا بد، برخورد اما جامعه با منافقین و مومنین ضعیف در ابتدا مداراست. برخورد با عطفوت و مهربانی حتی با منافقین.

پیامبر اکرم (ص) مهربانانه برخورد می‌کردند. برخورد با اشارت، مردم باید با اشاره مطلب را بگیرند، هیچ وقت پیامبر و امام علی (ع) با مردم صریح صحبت نکردند.

یک بار پیامبر با مردم قهر کردند اما مردم چیزی را که باید بگیرند را نگرفتند، یکی از منافقین به نام عبدالله بن ابی اهل سنت هم قبول دارند منافق هست. و می‌خواست در مدینه جنگ به پا کند و بین انصار و مهاجرین اختلاف بیاندازد. خبر به پیغمبر رسید. به زید بن ضیغم فرمود: شاید تو ناراحتی از دست عبدالله بن ابی و اینگونه راجع به او صحبت می‌کنی و شاید اشتباه شنیده باشی و شاید برداشت تو اشتباه بوده است. اما رسول الله با حسن ظن برخورد کردند بطوری که در مدینه پیچیده بود که پیغمبر آدم ساده‌ای است و رسول الله گوش (اذن) است که این اصطلاح بدی بود.

وحی نازل می‌شود درباره عبدالله بن ابی و خداوند آیه‌هایی (سوره منافقین) را درباره‌ی بدی او نازل می‌کند. پیامبر به ضیغم می‌گوید: خوش به حال تو شد که آیه نازل شد و حرف تو تایید شد.

کاروانی که از جنگ برمی‌گشت و داشت استراحت می‌کرد، بعد از ظهر وسط آفتاب پیامبر دستور حرکت دادند. پیرمردی گفت یا رسول الله الان چه وقت حرکت است؟ پیامبر با اخم فرمودند: می‌بینید که امامتان چه می‌گویند. که دیگر همه ساکت شده و حرفی نزدند و دیدند پیغمبر ناراحت است و هیچ کس عبدالله بن ابی را مواخذه نمی‌کند. و پیغمبر تا فردا صبح به راه خود ادامه دادند و به کسی استراحت ندادند و غضب در چهره ایشان مشخص بود. مردم اشاره‌های وی را نمی‌گرفتند و ایشان هم صریحتر نگفتند.

آن جایی که باید صریح بگویند «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» ۳ مرتبه رسول الله از خدا خواستند اجازه دهد این قدر صریح نگویند و در آخر تحت دستور و امر خداوند که اگر ابلاغ نکنی تمام رسالت را ابلاغ نکرده‌ای این کار را انجام می‌دهند.

آیا در زمان امام زمان (ع) اخلاق امام پس از ظهور مثل امیرالمومنین (ع) و پیامبر (ص) با مهربانی و سعه‌ی صدر و زبان اشارت است یا حضرت با اخلاق و منش دیگری رفتار می‌کنند؟

اگر اینگونه باشد که دوباره منافقان پدر حکومت اسلامی را در میاورند، اگر اینگونه نباشد اخلاق امام زمان نعوذبالله بدتر از رسول اکرم یا امیرالمومنین است؟ اگر با اشاره با مردم صحبت کنند دوباره منافقین همان مشکلات را ایجاد می‌کنند.

جواب چیست؟

پاسخ یکی از حضار: اخلاق امام زمان پس از ظهور مانند امام حسین(ع) است و با معاندین می‌جنگند.

پناهیان: می‌دانید که امام حسین(ع) جنگ به پا نکرد، ایشان می‌خواستند به کوفه بروند که آنها ریختند و با ایشان جنگیدند. امام حسین خیلی متفاوت تر از امام حسن(ع) برخورد نکرد، امام حسن(ع) فرمود: مردم اگر جنگ نکنند ما صلح می‌کنیم، امام حسین(ع) هم همین را گفت ولی آن نامردان ایشان را کشتند. البته امام حسین(ع) از خود دفاع کرد و ذلیلانه دست بیعت نداد و ذلیلانه کشته نشدند. ولی مردم در زمان امام حسین(ع) نسبت به زمان امام حسن(ع) بدتر شده بودند و این مردم بودند که امام حسین(ع) را کشتند. اما امام زمان(عج) این کار را نمی‌کند، امام زمان همه‌ی بدها را نابود می‌کند.

اینجا این سوال را می‌پرسم که آیا اخلاق امام زمان با اخلاق پیغمبر فرق می‌کند؟!

چرا ائمه‌ی هدی مثل امیرالمومنین(ع) با اشاره با مردم حرف می‌زدند؟! امیرالمومنین فرمود پای رکاب من منافق هست، بروید و بشناسید. خب چرا توضیح نمی‌دهند که این منافق اشعث است و بگیرند و او را اعدام کنند، چرا با اشاره صحبت می‌کنند؟ و صریحا دستور نمی‌دهند؟!

این اشاره یعنی احترام به مردم و مردم باید رشد کنند. هیچ وقت بنا نیست گروهی از آدم‌های خوب بیایند و مردم را اداره کنند. خیلی از مردم ما این را می‌خواهند که رهبری خودش گروهی از بهترین‌ها را جدا کند و با آنها مملکت را اداره کند و مشکلات را حل کنند. ببخشید پیغمبر اکرم و امیرالمومنین هم این کار را نکردند.

فلسفه‌ی هدایت بشر این است که شما به مردم اجازه دهید که درک خود را نشان دهند. سوال: اگر مردم درک خود را نشان ندادند چه می‌شود؟ پاسخ این است که امام حسین به گودی قتلگاه می‌رود. همین است که پیامبر اکرم مظلوم واقع می‌شود به طوری که می‌فرمایند هیچ کس به اندازه‌ی من اذیت نشد. امیرالمومنین مظلوم می‌شوند. حقیقت این است که اولیای خدا نمی‌خواهند به جای مردم باشند و عمل کنند.

آیا امام زمان با زبان اشاره با مردم سخن نمی‌گویند؟ خیر ایشان با اشاره صحبت می‌کنند و اخلاقتشان در صبر و سعه‌ی صدر با پیامبر هیچ فرقی نمی‌کند. پس چرا این مشکلات نفاق در

زمان امام زمان نیست؟! به دلیل اینکه مردم در زمان امام زمان به رشدی می‌رسند که اشاره‌های حضرت را می‌گیرند و منافقین را از دم تیغ می‌گذرانند. درروایات آمده دو بار گروهی از سربازان خود حضرت توسط امام زمان گردن زده می‌شوند. اینها سربازان عادی نیستند بلکه فرماندهانی هستند که دو بار پای رکاب حضرت جنگیده‌اند اما طبق دستور گردنشان زده می‌شود. و مردم از آن برداشت غلطی نخواهند داشت ولی دیدیم که در زمان پیامبر ایشان از ترس حرف مردم کسانی را که قصد داشتند او را بکشند را به مردم معرفی نکردند. امیرالمومنین یار خیانتکار خود را نمی‌توانست اعدام کند. بخشی از مشکلات ما این است که مردم رشد کافی ندارند و بخشی مربوط به این است که برخی از مسئولین اول خوب‌اند ولی بعدا بد می‌شوند. رهبری یا امام نمی‌تواند آدم‌بدها را قلع و قمع کند.

اگر حضرت امام بنی‌صدر را زود قلع و قمع می‌کرد هیچکس نمی‌توانست در تاریخ به قانونمند بودن این کشور احترام بگذارد و می‌گفتند اینها هر کسی را که مطابق سلیقه‌شان نباشد از دم تیغ می‌گذرانند. ولی بنی‌صدر را آنقدر نگه داشت تا حرمت قانون بالا رود تا در آینده بتوان به این قانون تمسک جست و اختلافات زیادی با قانون نباشد. خیلی‌ها انتظار داشتند که رهبری خلاف قانون عمل کند و انتخابات را باطل کند. آقا می‌فرمود چه دلیل قانونی‌ای وجود دارد ما این کار را کنیم. امام هم همین کار را کرد آقای‌هاشمی رفسنجانی می‌گفت من چند بار پیش امام گریه کردم که بنی‌صدر را عزل کنید ولی امام قبول نکرد. آخر هم فرمودند چون قدرت استیضاح دارید بروید و با استیضاح رئیس‌جمهور را عزل کنید. بنی‌صدر طرفدار داشت و اگر طرفداران خود را به خیابان می‌آورد. طرفداران او ۸۰ درصد بودند و طرفداران حزب الله ۲۰ درصد! اگر اینها به خیابان‌ها می‌آمدند تا مجلس شورای اسلامی کاری می‌کرد او قتل‌ها و شورش‌ها را انجام داده بود داشت از کشور خارج می‌شد.

امام بنی‌صدر را طبق قانون عزل کردند. نگه داشتن بنی‌صدر توسط حضرت امام باعث بالا رفتن هوش مردم شد و آن‌ها رشد کردند در حالیکه امام با اشاره قبلا از بنی‌صدر حرف زده بود مردم باید می‌گرفتند.

مملکتی که توسط یک روحانی شاگرد پیامبر و ائمه می‌خواهد هدایت شود باید به همان شیوه‌ی آن‌ها عمل کند با زبان اشاره و سعه صدر و تسامح. پس چطور باید جلوی آدم‌های بد را گرفت؟ از طریق کودتا از بالا؟ نه از طریق هوشیاری مردم. لذا آقا به هوشیاری و بصیرت بسیار توجه دادند.



در جواب آن جوانی که منتقد صدا و سیما بود باید بگویم درست است که صدا و سیما را رهبری گذاشته، امیرالمومنین و پیامبر هم خیلی‌ها را گذاشتند که رفتارهای بدی داشتند اما خودشان انتظار داشتند مردم جلوی آنها را بگیرند. اگر رئیس صدا و سیما هم آدم خوبی باشد مگر او می‌تواند فیلم بسازد؟ فیلم را فیلمنامه‌نویس داریم. ما چند تا فیلمنامه‌نویس داریم که عمیقاً مسائل دینی را بفهمند و قدرت این را داشته باشند آنها را به یک مجموعه خوب تبدیل کنند؟ آقا که خود نمی‌تواند خودش فیلمنامه بنویسد. مگر آقا مثل شهید احمدی روشن متخصص مسائل هسته‌ای است یا مثل احمدی مقدم متخصص موشک است.

اگر این‌ها نبودند مگر مقام معظم رهبری می‌توانست با ۳-۴ دستور موشک هوا کند؟! انتصاب بدون متخصص ممکن نیست. انشالله این متخصص خوب را شما بسازید و به امام جامعه کمک کنید که بتواند مشکلات را حل کند. باید اشاره‌ها را از امام گرفت. اما بعضی‌ها فکر می‌کنند همه چیز هلو پیر تو گلوست! در حالیکه در زمان امام عصر هم چنین نیست. ایشان ۳۱۳ فرشته ی آسمانی میاورند و ظهور می‌کنند!!! اگر این طور بود باید تا الان ایشان می‌آمدند.

والسلام